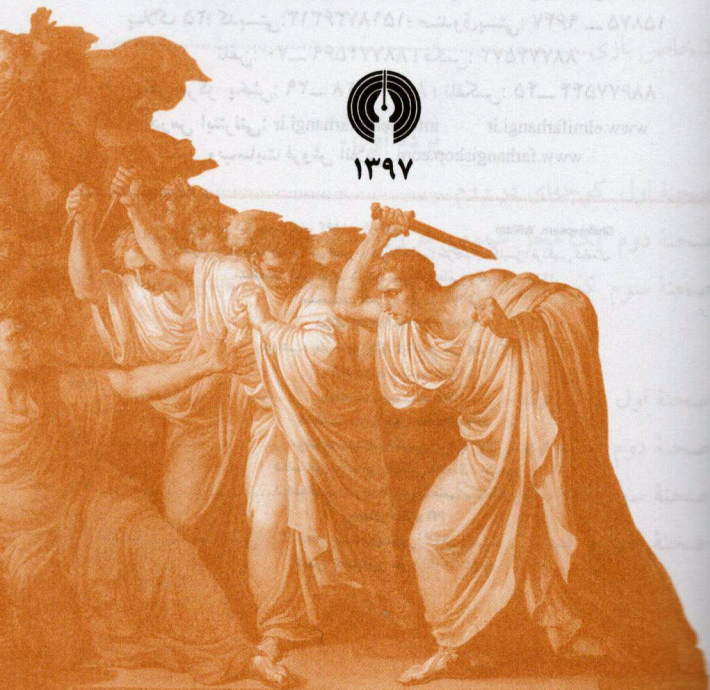


تراژدی قیصر

ویلیام شکسپیر | مترجم: فرنکیس شادمان



فهرست

۱۹ باغ بروتوس در روم

۲۷ خانه قیصر در روم

۳ کوچه‌ای در روم

فهرست

۲۶ باغ بروتوس در روم

۲۷ خانه قیصر در روم

۸۶ کوچه‌ای در روم

فهرست

۷۱۱ مقدمه مترجم

اشخاص بازی

پرده اول

۳ صحنه اول کوچه‌ای در روم

۷ صحنه دوم یک محل عمومی در روم

۲۴ صحنه سوم کوچه‌ای در روم

پرده دوم

۳۳ صحنه اول باغ بروتوس در روم

۵۰ صحنه دوم خانه قیصر در روم

۵۷ صحنه سوم کوچه‌ای نزدیک کاپی‌تول در روم

۵۸ صحنه چهارم قسمت دیگری از همان کوچه در روم

پرده سوم

- ۶۱ صحنه اول روم، مقابل کاپی تول
 ۷۶ صحنه دوم میدان عمومی
 ۹۰ صحنه سوم کوچه‌ای در روم

پرده چهارم

- ۹۳ صحنه اول اتاقی در خانه آنتونی در روم
 ۹۶ صحنه دوم اردویی نزدیک ساردیس
 ۹۸ صحنه سوم درون خیمه بروتوس

پرده پنجم

- ۱۱۷ صحنه اول دشت فیلیپای
 ۱۲۴ صحنه دوم میدان جنگ در دشت فیلیپای
 ۱۲۵ صحنه سوم میدان جنگ در دشت فیلیپای
 ۱۳۱ صحنه چهارم قسمتی دیگر از میدان جنگ
 ۱۳۳ صحنه پنجم قسمتی از میدان جنگ

ضمائم ۱۳۹

مقدمه مترجم

تراژدی قیصر که ترجمه فارسی آن از نظر خوانندگان می‌گذرد، ثمره فکر بلند و آفریده ذوق لطیف شکسپیر است که شاید در فن درام‌نویسی بی‌همتا باشد. لفظ «درام» از لغتی یونانی که به معنی «کار انجام‌یافته» است گرفته شده، و در اصطلاح ادبی همان است که امروز به فارسی «نمایش» خوانده می‌شود و انواع مهم آن «تراژدی» و «کمدی» است. درام از یادگارهای یونان قدیم است و در سرزمینی ظهور کرد و قوام گرفت که مهد هنر و علم و ادب بود. اصول و مبانی درام را ارسطو مدون کرده و از جمله این اصول قانون «وحدت زمان، مکان و موضوع» است.

به عقیده ارسطو، مدت وقایع نمایش نباید از یک شبانه‌روز تجاوز کند و حوادث همه باید در یک مکان اتفاق افتد، و تمام وقایع باید مربوط به یک موضوع اصلی باشد. اصل «سه وحدت» درام قرن‌ها مراعات شد و فرانسویان مخصوصاً پایبند آن بودند. آثار متابعت

اصل در نمایشنامه‌های گرنی^۱ و راسین^۲ هر چه خوب تر هویداست. شکسپیر به این اصل مقید نبود و اگر توجهی داشت، به وحدت موضوع بود. لزوم رهایی از این قیود یا التزام به آن‌ها یکی از موضوع‌های بحث و جدال میان نویسندگان و شعرای «رمانتیک» و «کلاسیک» بوده است. این بحث عاقبت به پیروزی عقاید هواخواهان آزادی از قیود خاتمه یافت.

موضوع تراژدی قیصر قتل جولوس قیصر^۳ است، و مبتنی است بر حوادث زندگی قیصر، بروتوس^۴، آنتونی^۵ و کسی یوس^۶.

وقایع این تراژدی در روز چهاردهم ماه مارس سال ۴۴ قم شروع می‌شود. در صحنه اول این نمایش جمعی کاسب و صنعتگر، که از کار خود دست کشیده‌اند، در کوچه‌های روم جمع آمده‌اند تا قیصر را ببینند و به علت فیروزی او در جنگ با رقیبش پُمپی^۷ شادی کنند. از همان ابتدای بازی از سخنان فلی ویوس^۸ و مَرولوس^۹ به خوبی هویداست که بعضی از رومیان از قدرت عظیم قیصر سخت بیمناک شده‌اند و نمی‌خواهند که بنده‌وار فرمانبردار او باشند و در اطاعت چون خودی به سر ببرند. کسی یوس از سر حقد و حسد یا از بیم محو شدن اساس حکومت جمهوری در روم، بروتوس و جمعی دیگر را برمی‌انگیزد تا قیصر را از میان بردارند.

در روز پانزدهم ماه مارس که قیصر به مجلس سنا می‌رود توطئه‌گران در آنجا او را به قتل می‌رسانند. در این تراژدی به خلاف تراژدی‌های دیگر شکسپیر، غیر از مکبث^{۱۰}، مهم‌ترین واقعه، یعنی کشته شدن قیصر، در اواسط نمایش اتفاق می‌افتد. اما وقایع بعد از قتل نیز چندان مهم و گیراست که

- | | |
|------------------|-------------|
| 1. Corneille | 2. Racine |
| 3. Julius Caesar | 4. Brutus |
| 5. Antony | 6. Cassius |
| 7. Pompey | 8. Flavius |
| 9. Marullus | 10. Macbeth |

تماشاگر یا خواننده آنی از توجه به آن‌ها غافل نمی‌ماند. شرح ملاقات آنتونی، خویشاوند و دوست قیصر، با توطئه‌گران مردم‌کش، و رثای وی بر سر جسد بی‌جان قیصر و نطق گیرای او هنگام تشییع جنازه که بیش از قتل در برانگیختن احساسات مردم مؤثر شد، و همچنین گفته‌های بروتوس در بیان علل کشتن قیصر، همه چندان بلیغ و جذاب است که از قطعات مشهور ادبیات انگلیسی به شمار می‌رود و بسیاری از مردم صاحب ذوق ملل انگلیسی‌زبان آن‌ها را از بر هستند.

موضوعی نظیر این داستان شاید در دست درام‌نویس یونان قدیم یا اکثر درام‌نویسان امروز به کشته شدن قیصر پایان می‌پذیرفت، اما چنان می‌نماید که شکسپیر خواسته است نتایج مهم این واقعه را نیز در همین تراژدی بیان کند که چگونه آنتونی خلق را برانگیخت و به خونخواهی قیصر برخاست و چگونه آتش جنگ داخلی در روم روشن شد و عواقب جنایت دامن‌گیر توطئه‌گران گردید، چندان که بروتوس و کسی یوس که در کشتن قیصر هم‌داستان بودند با هم نزاع و جدال کردند، و هر چند ناچار با یکدیگر متحد بودند تا در مقابل آنتونی و اکتاویوس^۱ پایداری نمایند، سرانجام خودکشی کردند. شرح گله و نزاع و جدال و ملامت و صلح و آشتی این دو دوست با توجه به تغییر وضع روحی ایشان نیز از قسمت‌های لطیف و بسیار مؤثر این تراژدی است.

وقایع بعد از مرگ قیصر در این تراژدی چندان مهم و مؤثر است که جمعی از اهل تحقیق گفته‌اند که گویی روح قیصر در این تراژدی بیش از وجود قیصر تأثیر دارد؛ و گفته بروتوس است پیش از خودکشی که «ای جولوس قیصر، تو هنوز قادری، روح تو در این عالم سیر می‌کند و شمشیرهای ما را به جانب احشای خود ما برمی‌گرداند».

* * *